



## بانکداری اسلامی، هست‌ها و باید‌ها

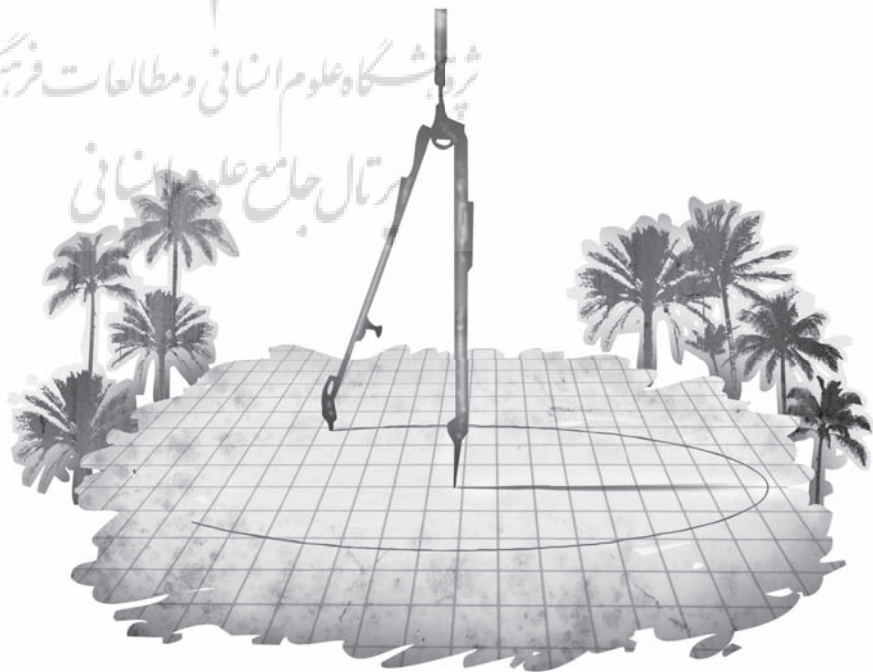
سروش صاحب فصول

© بی‌تردید نظام اقتصادی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیشروترین نظام در به‌کارگیری مفاهیم و الگوهای اسلامی در اقتصاد بود و طی این سه دهه نیز که از آغاز انقلاب اسلامی سپری می‌شود، بسط و گسترش استفاده از روش‌های اسلامی در سیاست‌ها و مناسبات اقتصادی، همواره یکی از اهداف و دغدغه‌های دولتمردان ما بوده و همچنان نیز هست.

در این میان نظام بانکداری نقشی بی‌بدیل در کل منظومه سیاست‌های اقتصادی و حتی روابط اجتماعی و اخلاقی جامعه ایفا می‌کند و به عنوان قلب تپنده مناسبات پولی و اعتباری هر نظام اقتصادی، نقشی مهم در کیفیت دیگر روابط و شاخص‌های اقتصادی به عهده دارد.

نظام بانکی در کل ساختار اقتصادی هر کشوری در جایگاه مدیریت توزیع منابع مالی در میان فعالان بخش خصوصی و همچنین بازوان اجرایی نهادهای ناظر بر اقتصاد برای کنترل و هدایت نقدینگی در جامعه قرار دارد. از این رو تطبیق روش‌ها و الگوهای استفاده شده در این نظام با اصول اسلامی در واقع به معنای انطباق سازوکارهای بازتوزیع منابع مالی و سیاست‌های پولی با قواعد دینی و الهی است که در نهایت به اسلامی‌تر شدن هر چه بیشتر روابط حاکم بر مناسبات اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی مردم می‌انجامد یا در نقطه مقابل به اضمحلال بنیان‌های اقتصادی و سپس اجتماعی و اخلاقی منجر می‌شود. مانند آنچه نمونه‌ای از آن را در جریان بحران اخیر در اقتصاد جهانی شاهد هستیم.

ناظر بر همین مسایل و اهمیت غیرقابل انکار نظام بانکی، با فاصله زمانی اندکی از پیروزی انقلاب اسلامی، اجرای عملیات بانکداری اسلامی در کشور به عنوان یک ضرورت مطرح و از سوی مدیران و مسئولان انقلاب پیگیری شد. این حرکت که با ملی شدن بانک‌های خصوصی رژیم ساقط شده پهلوی همراه بود، سرانجام در دهم شهریور ۱۳۶۲ به تدوین و تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا انجامید که



بی تردید نظام اقتصادی  
ایران پس از پیروزی  
انقلاب اسلامی  
پیشروترین نظام در  
به کارگیری مفاهیم و  
الگوهای اسلامی در  
اقتصاد بود و طی این سه  
دهه نیز که از آغاز انقلاب  
اسلامی سپری می شود،  
بسط و گسترش استفاده  
از روش های اسلامی در  
سیاست ها و مناسبات  
اقتصادی، همواره یکی  
از اهداف و دغدغه های  
دولتمردان ما بوده و  
همچنان نیز هست

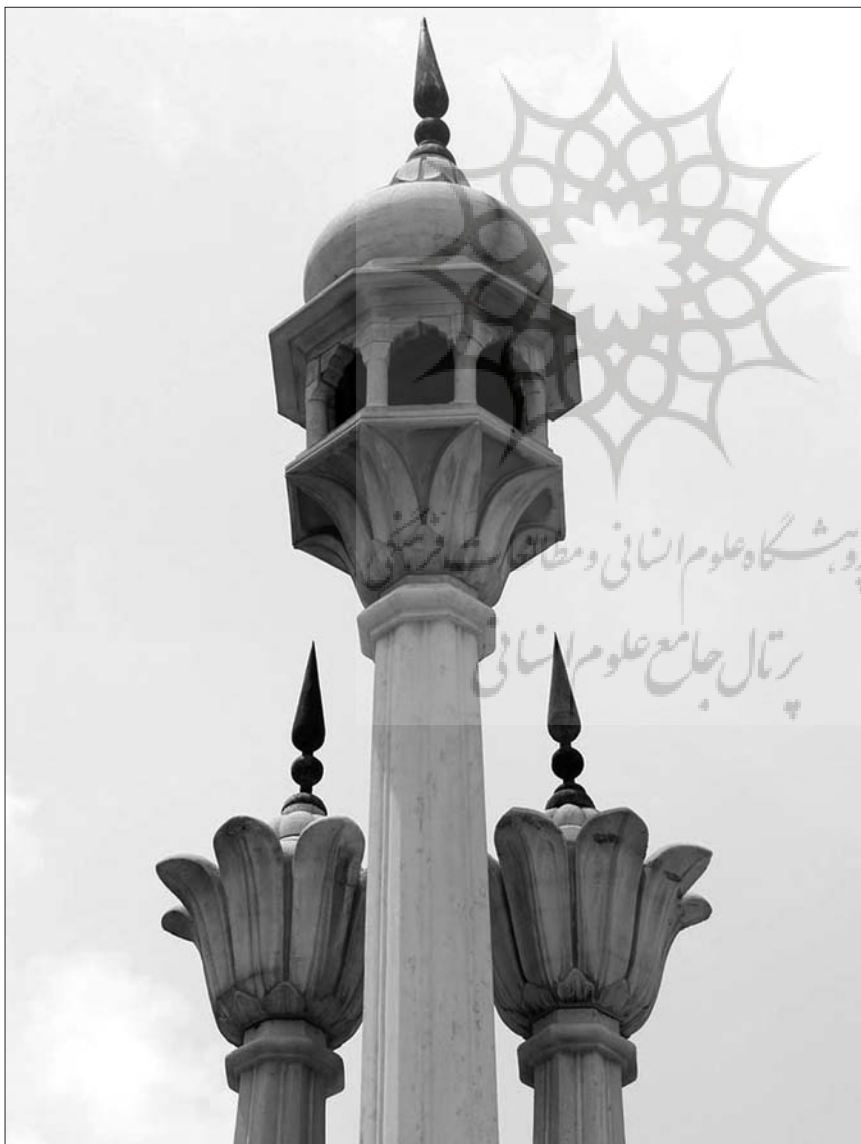
اسلامی و تفاوت های آن با بانکداری عرفی و متداول در جهان است.  
برای پاسخ به این پرسش باید گفت محور اصلی تمایز بانکداری اسلامی از بانکداری عرفی، بحث حرمت معاملات و تبادلات ربوی است، چرا که اسلام ربا (بهره) را حرام دانسته، اما دیگر درآمدهای سرمایه را ممنوع نکرده است. به عبارت دیگر، هرگونه پیش شرط برای انتفاع از اصل سرمایه و بدهی بنا بر شریعت مسلمانان ممنوع است.  
بر این اساس، شیوه اجرایی و به کارگیری سرمایه در یک طرح و موارد ایجاد شغل از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در بانکداری اسلامی بر تقسیم ریسک، داد و ستد فیزیکی کالا، درگیری مستقیم با تجارت و کار، اجاره و قراردادهای ساختمانی با استفاده از عقود مختلف شرعی تاکید می شود. در این شیوه از بانکداری مدیریت دارایی به منظور افزایش درآمد عمومی، تقسیم ریسک و مدیریت آن برای دستیابی به حاکمیت مشارکت و همکاری در انجام طرح ها از

هنوز هم به عنوان یکی از قوانین ما در نظام بانکی مورد استناد و اجراست. اگرچه در زمان تصویب این قانون، هدف قانونگذاران اجرای آزمایشی و پنجساله آن بود، ولی این زمان به درازا انجامید و با گذشت نزدیک به سه دهه از آن زمان، قانون عملیات بانکداری بدون ربا همچنان پابرجاست.  
در طول این سال ها انتقادهای و ایرادهای فراوانی به این قانون وارد شده که بخش اعظمی از آن ها ناشی از پیچیده تر شدن عملیات بانکی در ایران و جهان، گسترش نوع و حجم مبادلات و فعالیت های اقتصادی داخلی و خارجی کشور، ناپختگی های درون ساختاری قانون و در نهایت ابداع ابزارهای جدید مالی مبتنی بر فقه اسلامی است.  
مجموعه این مسایل سرانجام متولیان امر را بر آن داشت تا طرح بازنگری قوانین پولی و بانکی کشور، به خصوص قانون عملیات بانکی بدون ربا را کلید بزنند. در پی آغاز و پیگیری این تلاش، چندی قبل نخستین پیش نویس این قانون که نتیجه بازنگری در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۶۲ و تلفیق آن با قانون بازارهای غیرمتشکل پولی است، منتشر شد و هم اکنون در مرحله حک و اصلاح و دریافت نظرات کارشناسی قرار دارد.

در این میان بروز بحران اقتصادی کم نظیر در جهان که سرمنشأ آن اقتصاد آمریکا و بخش غیرواقعی اقتصاد این کشور یعنی نظام بانکی و اعتباری قلمداد شد، بسیاری از کارشناسان اقتصادی در کشورهای مختلف به خصوص کشورهای دارای اقتصاد آزاد را بر آن داشت تا توجه خاصی به اصول بانکداری اسلامی نشان دهند به گونه ای که در مدت کوتاهی شاهد اقبال گسترده به بانکداری اسلامی و گسترش استقبال عمومی از آن بودیم.  
مجموعه این مسایل افق های روشنی را پیش روی بانکداری اسلامی در کشورمان قرار داده است که می تواند با سرعت، قدرت و دقت بیشتری در راه تکامل و تحقق آرمان اولیه خود که دستیابی به نظام بانکی عاری از هر گونه شبهه و خلط با نظام بانکداری ربوی و غیراسلامی است، حرکت کند.  
با وجود این همان طور که گفته شد، نقایص موجود در قانون عملیات بانکی بدون ربا و همچنین عملکرد بانک های کشور و میزان پایبندی به این قانون طی سال های گذشته، انتقاداتی را متوجه نظام بانکی ما کرده است. این انتقادات گاه تا آنجا پیش می رود که مناسبات و عملکرد بانک ها را در ایران به کل نامنطبق بر اصول اسلامی و اهداف قانون عملیاتی بانکداری بدون ربا ارزیابی می کند.  
در عین حال منتقدانی هم هستند که با قرار گرفتن در نقطه مقابل و دسته پیشین، اگرچه اصول حرکتی و عملی حاکم بر نظام بانکی ایران را منطبق با اصول اسلامی ارزیابی می کنند، ولی وجود برخی ابهامات را نیز تایید و بر ضرورت شفاف سازی آن تاکید می کنند.

### بانکداری از نوع اسلامی

شاید در مواجهه با عبارت بانکداری اسلامی نخستین و البته اساسی ترین پرسشی که در ذهن شنونده شکل بگیرد، پرسش از چیستی بانکداری



محوریت برخوردار است.

سود در اسلام، پاداش نام دارد و فعالیت‌های مبتنی بر تقسیم ریسک و استفاده از منابع برای بالا بردن ارزش سرمایه مجاز شمرده شده است. معاملات مالی مجاز از سوی شریعت اسلامی باید مبتنی بر ارایه کالا، خدمات و منافع باشد. این سیاست برای برخورد و تعامل بهتر سیاست‌های پولی و مالی و ایجاد نظام مورد توجه قرار دارد. به این ترتیب، بانک اسلامی موسسه‌ای پولی و مالی است که سعی دارد با استفاده از عقود اسلامی و قراردادهای مورد رضایت اسلام، معاملات مورد انتظار از یک بانک را ارایه کند و در عین حال جنبه‌هایی مانند عدالت و اخلاق اسلامی را نیز مورد توجه قرار دهد. به تعبیر دیگر، در بانک اسلامی، قراردادهای براساس حقوق اسلامی تنظیم می‌شود، نرخ‌ها به صورت عادلانه تعیین می‌شود و اخلاق و رفتار کارمندان بانک با مشتری و مشتری با کارکنان بانک بر اساس موازین اخلاقی شکل می‌گیرد.

### بحران جهانی اقتصاد و گسترش بانکداری اسلامی

به نظر می‌رسد اجماع کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی بر این که ساختار معیوب نظام بانکداری جهانی در آمریکا، خاستگاه اصلی بروز بحران در اقتصاد جهان شده، زمینه‌های مساعدی برای توجه و اقبال به نظام بانکداری اسلامی به وجود آورده است، به گونه‌ای که همزمان با رشد بازار اقتصاد اسلامی در کشورهای اسلامی و غربی، بسیاری از بانک‌ها تلاش می‌کنند صدقات مالی و اقتصادی خود را با موازین شریعت اسلام همسان کنند تا علاوه بر جذب مشتریان بیشتر بتوانند سهمی از این بازار در حال رشد را به خود اختصاص دهند.

به موازات افزایش درخواست بانک‌ها به منظور پیوستن به بازار مالی در حال گسترش اسلامی، بانکداری اسلامی نیز در سراسر جهان گسترش می‌یابد و این مسئله استفاده از تسهیلات بانکی و قوانین مالی اسلامی را آسان کرده است.

بر اساس آمار اعتبارات خدمات مالی بریتانیا، حساب‌هایی که خواستار تسهیلات بانکی مبتنی بر قوانین شرع اسلام هستند، از ۲۰۰ میلیارد دلار به ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته و هر سال نیز ۱۰ تا ۱۵ درصد بر این مقدار افزوده می‌شود.

بحران اقتصادی در جهان بسیاری از کارشناسان اقتصادی در کشورهای با اقتصاد آزاد را بر آن داشت که توجه خاصی به اصول بانکداری اسلامی بکنند. در همین خصوص در آسیا نیز اقتصاد اسلامی به سرعت در حال رشد است و مالزی می‌کوشد به عنوان یک قطب منطقه‌ای در این عرصه شناخته شود. اندونزی، تایلند و سنگاپور نیز از دیگر

کشورهایی هستند که بخش اقتصاد و بانکداری اسلامی خود را گسترش داده‌اند.

از این رو گسترش و رونق بانکداری اسلامی در میان کشورهای اسلامی از یک سو و تقاضای کشورهای غربی مبنی بر تطابق قوانین بانکداری خود با قوانین اسلام نیز از سوی دیگر، رشد چشمگیر این نوع نظام سوددهی را رقم زده است.

به نظر می‌رسد این گسترش و نفوذ بیش از پیش بدون چالش نیز نخواهد بود. چنان که در تازه‌ترین گزارش منتشر شده از سوی شورای عالی بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی تأکید شده که تبلیغات رسانه‌ها علیه بانکداری اسلامی یکی از چالش‌های پیش روی این نظام تلقی می‌شود.

با وجود این بانک‌های اسلامی اکنون به یک امر واقعی و انکارناپذیر در حوزه بانکداری و اقتصاد بین‌الملل به‌ویژه پس از وقوع بحران اقتصادی در جهان تبدیل شده است، ولی بنابه گزارش موسسه عالی بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی، اختلاف مدارس فقهی منتسب به اعضای هیئت‌های شرعی موسسات مالی اسلامی، یکی از عمده‌ترین چالش‌های پیش روی این صنعت است، چرا که این اختلافات به مرز تحریم هم رسیده که همکاری‌های موسسات مالی اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر، وجود هیئت‌های حسابرسی موسسات مالی اسلامی در حالی که معیارهای بین‌المللی متناسب با این موسسات تدوین نشده، باعث تشکیک در سلامت فعالیت موسسات مالی اسلامی و به رسمیت شناخته نشدن آن‌ها از سوی حاکمیت کشورها شده است.

### بانکداری اسلامی و دیدگاه‌های مختلف نسبت به آن در ایران

با گذشت بیش از ۲۸ سال از زمان تصویب و آغاز اجرای قانون بانکداری بدون ربا، طبیعی است این توقع به وجود آمده باشد که نظام پولی و بانکی کشورمان از نظر کارایی و تطبیق با شریعت، گام‌هایی اساسی برداشته باشد و اما با وجود این دست کم از نظر افکار عمومی و برخی نخبگان جامعه، این نظام همچنان برای رسیدن به نقطه مطلوب و منطبق با دیدگاه‌های کلان اسلامی گام‌های مهمی باید بردارد.

شاید در نگاهی منصفانه درباره بانکداری جاری در کشور نه می‌توان به صورت افراطی اظهار کرد نشانی از بانکداری اسلامی در نظام بانکی ما وجود ندارد و نه با ذوق‌زدگی می‌توان گفت آنچه در نظام بانکی ایران اجرا می‌شود، دقیقاً همان چیزی است که بانکداری اسلامی در نظر دارد. واقعیت این است که نظام بانکداری ما هنوز در نیمه راه قرار دارد به این معنا که قوانین بانکداری ایران به لحاظ فقهی

شاید در نگاهی منصفانه

درباره بانکداری جاری

در کشور نه می‌توان به

صورت افراطی اظهار

کرد نشانی از بانکداری

اسلامی در نظام بانکی

ما وجود ندارد و نه با

ذوق‌زدگی می‌توان گفت

آنچه در نظام بانکی

ایران اجرا می‌شود،

دقیقاً همان چیزی است

که بانکداری اسلامی در

نظر دارد

و شرعی با اشکال مواجه نیستند؛ زیرا در زمان تصویب قوانین بانکداری هم شورای نگهبان انطباق آن را با شرع مقدس اسلام تأیید کرده و هم مراجع تقلید بر صحت آن مهر تأیید زده‌اند. البته به معنای آن نیست که بهتر از این نمی‌شد قوانینی وضع کرد؛ بلکه باید توجه داشت همواره امکان ایجاد وضعیت مطلوب‌تر وجود دارد و می‌توان با مطالعه مجدد و بازنگری از عقود دیگری در قوانین و آیین‌نامه‌های بانکداری بدون ربا استفاده کرد که پیش از این قانونگذاران به هر دلیل به آن توجه نداشته‌اند.

به نظر می‌رسد درباره اصل قانون بانکداری بدون ربا دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی این قانون را جامع و کامل دانسته، تجدیدنظر در این قانون را تنها در حد رفع سوءتفاهم‌ها لازم می‌دانند. برخی نیز اصل قانون را از نظر فقهی قبول دارند؛ اما قراردادهای انتخاب شده در آن را برای فعالیت‌های بانکی مناسب ارزیابی نمی‌کنند.

به عنوان نمونه دسته نخست، برخی نقش شورای نگهبان را در موضوع بانکداری اسلامی و مباحث پیرامون آن غیرقابل چشم‌پوشی می‌دانند و معتقدند تا وقتی نظر شورای نگهبان درباره سیستم بانکداری اسلامی مثبت است و این شورا وظیفه انطباق قوانین را با شرع به عهده دارد، می‌توان و باید عملکرد بانک‌ها را شرعی و اسلامی دانست. به بیان دیگر، در مواقعی که تشکیک‌هایی درباره عملکرد بانک‌ها و میزان انطباق آن با اصول شرعی و فقهی در اذهان عمومی وارد می‌شود، این نظر شورای نگهبان است که به عنوان فصل‌الخطاب مورد استناد قرار می‌گیرد.

در نقطه مقابل اما دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و تأکید دارد براساس اصل بانکداری بدون ربا، سوده ثابت ممنوع است و به تولیدکنندگان ضربه می‌زند و این یکی از مواردی است که نشان می‌دهد شیوه بانکداری اسلامی به طور کامل در کشور اجرا نمی‌شود و تنها بانکداری بدون ربا که جزئی از اقتصاد اسلامی است، در حال اجراست.

با این حال قطعاً نمی‌توان برای نظراتی که به دلیل وجود برخی نارسایی‌ها اصرار دارند که در حال حاضر عملیات بانکی جاری در کشور تطابقی با قوانین بانکداری اسلامی ندارد، وجهی قایل شد چرا که رفع مسایل و مشکلات موجود در بانکداری اسلامی ایران نیازمند زمان است و در کوتاه‌مدت نمی‌توان توقع داشت که عملکرد بانک‌های داخلی کاملاً با اصول بانکداری اسلامی تطبیق یابد.

به نظر می‌رسد برای دستیابی به قضاوتی نزدیک به انصاف و واقع در مورد میزان موفقیت عملیات بانکی کشور در پیرایش از ربا و نزدیک شدن به آرمان‌های دینی و اسلامی باید همگان را به نگاهی جامع‌الاطراف و مبتنی بر واقعیت‌ها فراخواند. ●

